1- علل عدم استقبال جوانان از ايجاد كسب و كار

جوانان معمولاً به خاطر ترس از شكست و ناكامی و نداشتن سرمایه یا فشاری كه روی آن‌هاست، یك كار مستقل را شروع نمی‌كنند و محققان بر این باورند كه مهمترین دلیل این ترس این است كه جوانان امروز الگوی مناسبی از كارآفرینان جوان گذشته ندارند كه از آن‌ها پیروی كنند‎.

‎بررسی‌ای كه **سازمان انگلیسی**‎ Enterprise Insight ‎انجام داده درباره این نكته بحث كرده كه ادبیات كارآفرینی در دهه 1980 شروع شده ولی دیگر تغییری نكرده و در آن دوره كارآفرینان قدیمی سعی كردند راهی برای نسل بعدی باز كنند. این سازمان می‌گوید كارآفرینان جوان اغلب تمایل دارند كه جایگاه خود را در دنیا پیدا كرده و اثری از خود باقی بگذارند اما این ادبیات كه مناسب دوره كنونی نیست و ترس از شكست و فشاری كه از سوی خانواده، معلم و دوستان برای پیدا كردن شغل بر جوانان وارد می‌شود، باعث شده كه آن‌ها از محقق كردن ایده‌هایشان چشم‌پوشی كنند‎.

‎در اینجا این فرض وجود دارد كه اكثر جوانان فاقد مهارت‌های تجارتی و كاری هستند از این رو باید كسی مستقیماً آنان را هدایت كند و به آن‌ها یاد دهد كه چگونه در این عرصه فعالیت كنند و سیاست گذاران باید بدانند كه اگر جوانان حمایت شوند و به كارآفرینی تشویق شوند، بسیاری به شروع یك كسب و كار جدید تشویق می‌شوند‏‎.

 ‎این به آن معنی است كه باید شبكه‌ای منسجم برای جوانان ایجاد شود كه بر تحقق ایده‌های جوانان، ارتقای الگوی موجود و خلق فرصت‌های كاربردی و عملی تأكید و تمركز دارد‎.

‎این سازمان همچنین به ایجاد یك استرتژی ملی برای توسعه كسب و كار در میان جوانان پرداخته است. مدیرارشد اجرایی این سازمان می‌گوید: "ادبیات و مفاهیم دهه 1980 اكنون جوابگوی نیازهای نسل جوان نیست‎."

‎اكنون دو دهه از خلق این ادبیات گذشته ولی ما هنوز از آن دست برنداشته‌ایم و از همان كارآفرینان برای توسعه كسب و كار در سال 2006 استفاده می‌كنیم. او اضافه می‌كند: "البته ما نمی‌گوییم كه نمی‌توان از كارآفرینان آن سال‌ها چیزی یاد گرفت اما نكته اینجاست كه جوانان بیشتر از افراد هم سن و كسانی كه متعلق به نسل خودشان باشند الگو می‌گیرند و گفته‌های آن‌ها را بیشتر قبول دارند." او می‌گوید كه نسل جدید افراد جوان كه مشتاقند اثری از خود به جا بگذارند و جایگاه خود را پیدا كنند، به درستی نمی‌دانند كه یك "كسب و كار" واقعاً چیست‏‎.

‎به گفته این مدیر، فرهنگ جوانان تغییر كرده است و ما باید معنی "كسب و كار" را دوباره تعریف كنیم تا برای انگیزه‌ها و آرزوهای آن‌ها معنی‌دار و با مفهوم باشد. نباید از دیدگاهی كه اصلاً مطابق نیازهای روز نیست به آن‌ها نگاه كنیم. ترس از شكست و نوع سیستم آموزشی باعث می‌شود كه جوانان به كارهای مطمئن كه ریسك آن‌ها كم است تمایل داشته باشند تا به جستجوی فرصت‌های جدید بپردازند‎.

‎او اضافه می‌كند: "ما باید فرهنگی را رواج دهیم كه جوانان فعالانه در پی محقق ساختن ایده‌ها و آرزوهایشان باشند‎."

با نزول وضعیت اقتصادی جامعه دانشجویان مراكز آموزش كارآفرینی با ترك كلاس‌های خود روانه كلاس‌هایی می‌شوند كه به نظرشان می‌تواند آینده‌ی مطمئن‌تری برای آن‌ها داشته باشد. در زیر 8 دلیل برای رهایی از ترس شروع یك كسب و كار آمده است‏‎:

‎ -1 تجربه كسب می‌كنید! شروع و اداره كسب و كار شخصی راهی است به سوی كسب تجارب ارزشمند‎.

2-‎ چیزی از دست نمی‌دهید، اكثر دانشجویان هزینه‌های خود را از طریق والدینشان تهیه می‌كنند و به طور كلی آن‌ها موظف به پرداخت هزینه‌های زندگی نیستند. به همین دلیل در بدترین شرایط حتی اگر كسب و كار شما با شكست رو به رو شود، شما تجاربی خواهید داشت كه شانس موفقیت شما را در آینده افزایش خواهد داد و اتفاق خوبی كه می‌توانید انتظار آن را داشته باشید، آن است كه به سرمایه‌دار بزرگی تبدیل شوید‎.

- 3طبق گفته‌ی "توماس استینلی" و "ویلیام دنك" نویسندگان كتاب "مغز میلیونر"، 3/2 میلیونرها كارآفرین هستند اگر شما به فكر كسب و پول بسیار هستید، باید كارآفرین باشید. به این ترتیب شما علاوه بر حقوق از مزایا و محاسن زیادی برخوردار خواهید شد، شما حتی می‌توانید طرح كسب و كارتان را بفروشید. "مایكل فاردیك"، كارآفرین جوان موفق، در 16 سالگی توانست طرح شغلی خود را به قیمت یك میلیون دلار بفروشد‎.

 - 4‎ارزش و اعتبار شما افزایش می‌یابد. شروع كسب و كار در دوران تحصیلی‌تان، ارزش چیزی كه از آن به شما تعبیر می‌شود، را افزایش خواهد داد. برای مثال یك فرد معتبر می‌تواند كتابی را به چاپ برساند یا در شركت‌ها و ادارات به مقامات بالا دست یابد‎.

- 5‎ایجاد و انجام یك كسب و كار سودمند در مدت زمان طولانی نسبت به استخدام شدن در شغلی ریسك كمتری را متوجه شما می‌كند. برای مثال كافی است فقط به آمارهای اقتصادی اخیر توجه كنید. ده‌ها هزار نفر از كار اخراج شده‌اند. اما من می‌توانم تضمین كنم كه صاحبان كسب و كارهای سودمند، هنوز مشغول كار خود هستند. آن‌ها آخرین كسانی هستند كه در طوفان‌های اقتصادی غرق می‌شوند. صاحبان كسب و كار موقعیت‌های زیادی برای جذب و دریافت پول دارند، در حالی كه حقوق شما به عنوان یك كارمند استخدام شده، تنها از یك مسیر تامین می‌شود و این همان جنبه ریسك‌پذیر بودن مسئله می‌باشد‎.

6‎ -شما خیلی چیزها در مورد خودتان یاد می‌گیرید، چیزهایی می‌آموزید كه هرگز در مدرسه به شما آموزش داده نمی‌شود. علاوه بر این كارآفرینی تركیبی از تمام سیاست‌های مورد نیاز برای یك شغل است و نیازمند اطلاعاتی در مورد بازاریابی، حسابداری، مدیریت و اجرا می‌باشد و داشتن اطلاعاتی در مورد این مسائل دید شفاف و روشنی نسبت به اطراف تان به شما می‌دهد و شما می‌توانید در مورد رشته‌ی تحصیلی مورد علاقه‌تان در آینده و همچنین هدف‌هایتان بهتر تصمیم بگیرید‎.

 - 7‎صاحب اختیار هستید. قوانین را شما تعیین می‌كنید. این شما هستید كه ساعات كاری و افراد مورد نیاز را انتخاب می‌كنید. شما می‌توانید كسب و كارتان را مطابق با علایق‌تان بسازید. اگر به هنر علاقه‌مند هستید، كسب و كاری مربوط به طراحی ایجاد كنید، اگر به بازاریابی علاقه دارید، كالایی را انتخاب یا تولید كنید و آن را بفروشید و اگر به نویسندگی علاقه دارید، كتابی بنویسید و آن را منتشر كنید و به فروش برسانید‏‎.

 8‎ -شما بزرگ می‌شوید. من به شخصه به سبب ایجاد كسب و كار، از نظر فكری رشد بسیاری كردم. پیش از این به سختی در مقابل یك جمع سخن می‌گفتم ولی اكنون یكی از مواردی است كه بسیار به آن علاقه دارم. كسب و كار من سبب شد كه خیلی چیزها در مورد خودم یاد بگیرم. من اكنون می‌دانم كه برای همیشه می‌توانم كارآفرین باشم و به موفقیت دست یابم‏‎.